

افغانستان در قرن ۱۹

اما وقتی که قشون انگلیس داخل چپاوتی و بهم یکجا شدند - مکناتن که از اول فکر خارج شدن از کابل و تخلیه افغانستان را نداشت بخیال نقض عهد افتاده و خصوصاً خبریکه از نزدیک شدن امداد از سمت غزنی باو رسید این فکرش را قائم تر ساخت و برای آنکه فرصت بدست آورده و حرکت را به تعویق بیندازد راه دیگری جستجو کرد و چون میدانست که سردار محمد اکبر خان شخص جوان و جاه طلب است ، بفکر افتاد تا جاه طلبی او را تحریک کنند . پس سرور خان لوهانی را واسطه فرار داده به سردار محمد اکبر خان پیغام فرستاد که اگر آرزو داشته باشد - وزارت حتی سلطنت افغانستان را برای او تأمین خواهد کرد . و خواهش نمود که یک نفر شخص اعتمادی را از طرف خود نزد او ارسال دارد تا شرایط خود را باو بگوید سردار محمد اکبر خان که میخواست نقشه مکناتن را بخود معلوم دارد ، محمد صادق خان برادر سردار سلطان احمد خان را بمعیت (کیهان سگینر) انگلیس به قشله فرستاد و او مطالبه کرد تا مکناتن هر چه را به سردار محمد اکبر خان و عده کردنی با شد باو شرح دهد تا به محمد اکبر خان برساند .

مکناتن چنین شرح داد :

- (۱) از بولان تا خیبر جانب شرق و تاهرها از جانب غرب که داخل افغانستان است وزیر فرمان شاه شجاع بوده ، امر وزارتش به سردار محمد اکبر خان سپرده شود .
 - (۲) امیر دوست محمد خان را به امری که آورده و هر کدام از پدر یا پسر که بین خود فیصله کنند وزارت را بکف بگیرند .
 - (۳) آنوقت که وضعیت معلوم شد انگلیسها را دیگر مداخله نکند .
 - (۴) فعلاً ۱۲ لک روپیه نقد تحویل اکبر خان نموده و ۲ لک روپیه بطریق استعمار سالانه برای شخص موصوف بپردازند .
 - (۵) فعلاً محمد اکبر خان امین الله خان او کسری را دستگیر و تسلیم و دیگر سران بدلی را بپراکنند سازد .
- محمد صادق خان این پیغام را برای محمد اکبر خان آورد و محمد اکبر خان که عهد شکنی و دو روئی مکناتن را دید و مقصدش را درک کرد برای حصول سندیکه در نزد دیگر سران ملی هم قابل ارائه باشد ، محمد صادق خان (و بقولی سردار سلطان احمد خان برادر بزرگ او) را فرستاد تا از مکناتن سند بخواهد . درین قسمت موهن لال نیز شهادت داده و مینویسد : مکناتن بصورت مجمل نوشت که اگر شما چیزی را که بشما سپرده شده اجرا کردید ، آنکاه آن وعده هائی که بشما شده است در حق شما بقسم انعام اجرا خواهد شد (۱) و هم مکناتن برای اثبات حسن نظر خود به محمد اکبر خان یک گادی و یک

(۱) موهن لال کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۱۹ - ۴۲۱ .

تفنگچه بقسم یادگار اهدا کرد . برخی مؤلفین گرفتن بول را از طرف محمد اکبر خان از مکتبانش نوشته اند اما موهن لال که عامل مهم و شاهد همه رویدادها بود این مسئله را تصدیق نمی‌کند و بولی را که محمد صادق خان گرفته عبارت از قیمت غله و علوفه می‌باشد .

حالت و روحیه انگلیس ها را در قشله که منجر به چنین تسلیم بلا شرط شده بود جنرال سبیل در کتاب خود موسوم به « روزنامهچه بر بادنی در افغانستان » چنین تصویر می‌کند : « يك نوع ضعف خارق العاده سماری بر فلوب ایشان (عساکر انگلیس) مستولی شد . کوئی در اثر ارتیکاب جرم بزرگی ، قهر و غضب خداوندی ننازل شده ، و عساکر مذکور را در اثر بیمل ساختن افسران و قوماندان های شان ، و بیحسی نمودن اعصاب و بازوی راست انگلستان ، سرانگون و پژمرده ساخته ، چنان بیجگرکت شان نبود که دیگر یارای ایستادن به مقابل دشمن خویش نداشتند » (۱)

از طرف دیگر در خلال این مذاکرات و گفتگو ها ، جنک های محلی در حوالی قشله انگلیس جاری بود ، غازی ها همه روزه در قشله هجوم می بردند و يك دسته از عساکر انگلیس از ترس محاصره شدن پیش بر آمده ، مورد حملات افغانها واقع میشدند و در عین همین کارزارها بود که از طرف انگلیس ها کرنیل ، کیور و هری من والکر صاحب منصبان برطانوی مقتول و از طرف غازی ها عبدالله خان اچکزانی و پسر دوست خان برادرزاده او که از مجاهدین درجه اول بودند ، شهید شدند اگر چه شهادت این دو نفر را به تعلیم موهن لال و به ذریعه کماشتیکان خان شیرین خان و نائب محمد شریف خان میدانند .

بهر حال وقتی که سردار محمد اکبر خان این چند دوررونی انگلیس مارا بدست آورد و از طرف دیگر مبعود سه روز عهدنامه اول نیز انقضای یافت و مکتبانش معطل شدن آذوقه را دلیل عدم توانمندی خود به کوچ عمومی نشان میداد - محمد اکبر خان صورت جویانات را به سران ملی رسانده و اسناد نقض عهد مکتبانش را بهمه آشکار ساخت ، آنمکه همه باتفاق آراء فیصله کردند که چون مکتبانش خیال فریب و بدهعه را داشته و میخواهد وقت را گذرانده و انتظار امداد را از جلال آباد و غزنی و غیره دارد و از همه گذشته میخواهد بین سران ملی اتفاق تولید و از آن برای رفع شورش ملی و باقی ماندن عسکر و اقتدار انگلیس در مملکت استفاده کند . بنا بر آن باید بهمان دامی که خود گسترده گرفتار ساخته شود . از روی این فیصله به محمد اکبر خان اجازه داده شد تا بطوریکه لازم دانند ، مکتبانش را اغفال نموده جزای خیانتش را در کنارش بنگذارد .

چنانچه سردار محمد اکبر خان روز ۲۲ دسمبر ۱۸۴۱ ع (۲۱ شوال ۱۲۵۸ ه ق) به مکتبانش پیغام فرستاد که همه کارها حاضر است و باید برای تعدیل قرارداد يك مجلس عمومی بشمول تمام سران ملی انعقاد یافته و مکتبانش شخصا قرار داد جدید را مورد

(۱) سبیل تاریخچه بر بادنی در افغانستان The journal of the desaster in Afghanistan

گفتگر قرار داده همه بر آن امضا کنند. همان بود که مکناتان نیز قبول کرده و برای فردا مجلس را در حدود قشله انگلیس تعیین کردند. فراریکه موهن لال میگوید در شب همین روز صاحب منصبان انگلیس چون تریور و مکینزی و لارنس به مکناتان مشوره دادند که خود درین مجلس حاضر نشود تا مبادا به اوصده برسند اما مکناتان نپذیرفته در جواب گفت:

«د میگوئید خطر ناک است. البته که خطر ناک است اما اگر کامیاب شوم از همه خطر ها نجات خواهیم یافت» (۱) و این نشان میدهد که مکناتان برای عملی کردن نقشه شوم خویش که تولید نفاق بین سران ملی و آز بین بردن یسکی بفریمه دیگر و رفع اغتشاش بود تا قبول هر نوع مخاطره نیز حاضر شده بود.

خلاصه بوقت موعود مکناتان از قشله بعیت تریور، لارنس، و مکینزی خارج شده امر داد که دوغند از عساکر انگلیس آماده باشد تا اگر اوضاع فرار موافقه یا اکبر خان صورت بگیرد، این دوغند برای دستگیر ساختن امین الله خان او گری اعمال و الا در حالیکه وضعیت دیگر گون شود و برای حفظ جان نمایندگان برطانیه از آن ها کنار گرفته شود. (۲) و این یک نبوت دیگر است از اینکه مکناتان صرف برای این به مجلس حاضر میشد تا امین الله خان او گری را توسط محمد اکبر خان دستگیر و باین قسم سران ملی را به دودسته تقسیم و بهم بیندازد و خود از آن استفاده کند.

از طرف افغانها درین مجلس محمد اکبر خان، سلطان احمد خان، محمد شاه خان، بابکر خیل، برادرش دوست محمد خان و غلام محی الدین غلجائی و خدا بخش خان شرکت داشتند (۳) مجلس در مجاورت قشله انگلیس در فضای آزاد بالای یتوی وزیر اکبر خان بر روی زمین مطابق رسم جرکه افغانها صورت گرفت (۴) قبل از انعقاد مجلس سران ملی باهم قرارداد داده بودند که بعد از ملزم ساختن مکناتان و شان دادن قراردادهای نقیض او نامبرده را با اتباعش زنده دستگیر سازند تا بار دیگر نتواند سبب تولید نفاق بین سران ملی و با دیگر دغا بازیها شود و هم انگلیس ها در کابل و حتی حکومت برطانیه نیز مجبور شوند که مطالبات افغانها را قبول و امیر دوست محمد خان را پس بفرستند. درین موقع محمد شاه خان بابکر خیل به محمد اکبر خان گفته بودند که اگر مکناتان دستگیر نشد و انگلیس ها امیر دوست محمد خان را تحت رجز قرار دادند چه خواهیم کرد. اکبر خان جواب داده بود که در آن صورت هم نسبت به اینکه غیر بر ملک مامسلط و اسلام یا مال و قانون سکفر در

(۱) موهن لال کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۲۳

(۲) کتاب قبل الذکر موهن لال جلد ۲ صفحه ۴۲۳

(۳) تمام سران ملی ازین سبب در مجلس شرکت نکردند تا اگر واقعه بایشان رخ

بدهد، ملت بی سرو سردار نماند چه آنها هم خوف داشتند که مبادا انگلیس ها آنها را دستگیر سازند و یا در حین زد و خورد همتان باقتل برسند. امین الله خان او گری را هم مخصوصاً از همین سبب در مجلس اجازه نداده بودند در حالیکه مکناتان منتظر بود که او هم حاضر و در همان مجلس دستگیر و تسلیم دولت برطانیه خواهد شد. لهذا از طرف انگلیس ها هم سران شان حاضر نشده بودند.

(۴) تفصیل این فضا یا را علاوه از دیگر مآخذ میتوان در کتاب اکبر خان (۲) از حمید

کشیری شاعر معاصر وزیر اکبر خان که فعلاً نجات طلب است مطالعه کرد. (۲)

مملکت اسلامی رائج باشد، حبس و اذیت امیر بر آن شرف دارد و باید از ریختن خون هم در چنین کار که شرف دین و دنیا به آن بسته است مضایقه نشود (۱)

آری قبضه افغانها چنین بود و ز مانیکه مجلس انعقاد یافت از طرف انگلیس ها مکتان نشسته و تریپور و مکنزی و عقب سر مکتان لارنس باتفنگچه کشیده ایستاده و متعاقب آن دو نفر دیگر و شانزده قدم دور زرده نفر جلو دار با اسب ایستاده بودند همین قسم از طرف افغانها محمد اکبر خان، سلطان احمد خان و محمد شاه خان با بکر خیل نشسته و محی الدین خان و دوست محمد خان و خدا بخش خان در عقب سر ایشان ایستاده بودند و متعاقباً چند نفر جلو داران با اسبان فرار گرفته بودند.

ابتداء محمد اکبر خان شروع به صحبت نموده و مکتانان را نسبت به بازی دو جانبه که نموده بود ملزم قرار داده و اسنادی را که در دست داشت ارائه کرد که همه مجلسیان دیدند بعد از تقریباً ۱۵ دقیقه گفتگو محمد شاه خان بزبان پیتوبه او اشاره کرد که دیگر گفتگو کفایت وقت میگذرد. و با اثر این اشاره محمد اکبر خان و سلطان احمد خان بر مکتانان حمله کردند و طوریکه موهن لال در کتاب خود مینویسد سنی دو نفر مزبور درین بود تا مکتانان را به تهدید سلاح بر اسب سوار و بطرف شهر ببرند اما او اسکار و رزید و مقاومت کرد و آنکه محمد اکبر خان با همان تفنگچه که خود مکتانان چند روز قبل برای او هدیه داده بود، او را مقتول ساخت (۲) و محمد شاه خان و دوست محمد خان برادرش و غلام محی الدین خان و خدا بخش خان بر مکنزی و تریپور و لا ورنس حمله نموده آنها را بتوکل خنجر تهدید و بر اسب ها سوار کردند اما آنها هم مقاومت ورزیده و بجز شش اول الذکر و نفر دیگر بزودی بقتل رسیدند سلطان احمد خان پس از آنکه مکتانان ازین در آمد با ۲۲ نفر حاضر با شان مکتانان بمقابله پر داخته آنها که آفغان خود را مغلوب دیدند پس از آنکه سه تن کشته دادند دل از دست داده رو به فرار گذاشتند.

این واقعه که در اثر خون سوری و شجاعت سران افغانی در ظرف چند دقیقه انجام یافت برای عساکر انگلیس که به تعداد دوغند امر حاضری حاصل کرده بودند، موقع مداخله را نداده و وقتی که خبر به چپاونی رسیده سران انگلیس جز اینکه از در تسلیم و معذرت پیش بیایند چاره دیگری برای خود نیافتند و بزودی یاتنجر که بیجانشینی مکتانان زمام امور اداره سیاسی را گرفته بود، وفدی نزد اکبر خان فرستاده و ملت واقعه را جو یا شد و اکبر خان هم دورویی و منافقت مکتانان را به آنها شرح داد و اسناد را ارائه کرد که از دین آن خجل و ملزم شدند و شرائط جدید افغانها را پرسیدند. و اکبر خان شرائط ذیل را بایشان پیش کرد که قوری از طرف یاتنجر قبول و امضاء گردید:

- ۱ - تخلیه قوری افغانستان.
- ۲ - تسلیم تمام تویخانه باستانی ۶ توپ که با خود برده میتوانند.
- ۳ - جمعی از بزرگان انگلیس با زنان و اطفال شان بقسم کر و گان تا آمدن امیر دوست محمد خان نزد افغانها باشد.

(۱) سراج التواریخ جلد اول صفحه (۱۷۲)

(۲) موهن لال، کتاب قبیل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۳۴

۴ - باقیمانده ۱۴ ک روپیه را که مکنان قبول کرده بود باید دیگران نادیده کنند .
 ۵ - آنچه جباخانه و اجمال و انتقال و دیگر اشیای گران بار که داشته باشند تسلیم افغانها نمایند .
 در این عهد نامه بروز ۲۹ شوال (۳۰ - دسمبر) کیتان و لش Welsh و کیتان در و موند Drummond و کیتان تروپ Troup با اهل و عیال شان بقسم یرغمل بتصرف افغانها در آمده در منزل نواب محمد زمان خان یا دیگر یرغمل ها که قبلاً گرفته شده بود از قبیل کانولی Conolly و هنری Henry و الکساندر Alexander جای داده شد .

در داخل قشله طوریکه موهن لال میگوید صاحب منصبان و مامورین سیاسی انگلیس بدو دسته بودند یکدسته به تحریر خان شیرین خان عقیده داشتند که باید عسکر انگلیس هرطور است بنام تغلبه از قشله خارج و خود را به بالا حصار برسانند و در آن جا قلعه مستحکم است انتظار خاسته زمستان و رسیدن امداد های را که مکنان از قندهار جلال آباد و هند خواسته بود بکشند (۱) دسته دوم که هر قسم اقدام مغالطه را خطر ناک میدانستند و میگفتند باید به شرائطی که میسر شود بدون وقفه از افغانستان خارج و جان خود را به سلامت بکشند . بالاخر دسته دوم غلبه کردند و بتاریخ ۶ ذی قعدة ۱۲۵۸ ق (۶ جنوری ۱۸۴۲) کسار تغلبه را شروع نمودند . بروز اول ۴۵۰۰ تن از عساکر انگلیس بمعبیت ۹ توب تحت قیادت جنرال الفینستین بطرف جلال آباد حرکت کردند و شب را در بنگرامی اطراق نمودند .

اما همینکه سران افغان مشاهده کردند که برخلاف قرارداد که بایست بیش از شش توب با خود ببرند و باقی فور خانه سنگین را هم تسلیم کنند انگلیس ها ۹ توب را با خود برده (۲) و بیش از ۵۰۰ توب تسلیم افغانها نموده بودند (آنها هم بدین فور خانه) دانستند که انگلیس ها باز بنای دورویی را دارند و میخواهند توب بخت را خویش را با خود ببرند و بدست افغانها ندهند و همین چیز (یعنی توب) بود که افغانها فاقد آن بوده به یایه مساوات با انگلیس ها مقابله نمیتوانستند . ازین رو سردار سلطان احمد خان و سردار محمد اکبر خان و محمد شاه خان که انگلیس ها را بدرقه میکردند از حمایت انگلیس ها سرباز زده و گفتند که چون شما برخلاف قول خود رفتار کرده اید دیگر ما هم ذمه واری شما را بعهده گرفته نمیتوانیم و درین وقت بود که غازی ها از نقض عهد انگلستان خیر شده و با جوش و خروش زیادیکه عصیبت ملی آنها را بمقابل دشمن دور و قریب کار

(۱) موهن لال : کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۲۹ و مابعد .

(۲) موهن لال کتاب قبل الذکر : جلد ۲ صفحه ۴۳۰ و مابعد . تمام مولفین انگلیس که شرح این جنگ را نوشته اند - تصدیق کرده اند که جان و ناموس اسرای انگلیس حفظ و هیچیک دران گیر و دار تلف نشده تنها جان کانولی که مریض بود فوت شد که همه مولفین مریضی و اینک در اثر شنیدن قتل برادرش آرثر کانولی از دست شاه بخارا از غصه هلاک شده تصدیق کرده اند (منجمه موهن لال - کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۴۲ - ۴۵۳)

بهمه اطراف و اکناف مملکت پراکنده شده و در هر جا مردم بمجرد شنیدن آن بقصد جهاد کمر بسته انگلیس و طرفداران و دست نشاندهگان شان را از بین برداشتند و زمام امور ملی را از کف آنها خارج ساختند چنانچه اولتر از همه بقرار شرح بالا در وردک و چهار یکسار انگلیس را مقتول و با اسیر ساختند سپس در غزنی شمس الدین خان بن سردار امیر محمد خان یا امر Palmer صاحب منصب انگلیس را گرفتار ساخت و راه کابل را برای عساکر یکه از قندهار بایست حرکت میکردند قطع نمود همچنین قلعه قلات نیز در اثر فشار ملیون تیرک داده شد مکتوب الغنستن که به جنرال نات Nott حکمران نظامی قندهار رسید او که خسود را از صحنه قتال دور برید ، فوری برای نخله اقدام نکرد و منتظر انکشاف او ضاع نشست ولی برای ارسال امداد یکه قبلاً مکشائین از او خواسته بود با وجود یکه هزار عسکر با اختیار خود داشت اقدامی نکرد زیرا که از یکطرف زمستان رسیده بود و راه بین کابل و قندهار برف کبیر و صعب العبور بوده و از طرف دیگر از طغیان قبائل عرض راه خبر شده و این لشکر کشی را خطر ناک میدانست و از همه گذشته حالت قندهار ما مومن نبود و مردم که از واقعات کابل شنیده بودند گوش باواز بودند و در اطراف قندهار سران ملی علناً قیام کرده بودند بنابراین جهات جنرال نات فاصله کرد که تا معلوم شدن او ضاع قندهار را حفظ کنند و بدیگر اقدامی نسبت نورد پس کنترل خود را بر قندهار شدید ساخته و آمادگی لازمه گرفته گوش باواز نشست (۱) اما در جلال آباد بزودی با رسیدن محمد اکبر خان جنگ شروع شده اکبر خان غبور که برای بدرقه انگلیس ها تا جلال آباد آمده بود تقریباً هیچکس قوه منظم در اختیار نداشته تنها غازی های باحرارت که تا جلال آباد او را همراهی کرده بودند لشکر او را تشکیل میدادند با وجود این بدون فوت وقت بحمله شروع کرد عساکر انگلیس که از قلعه بیرون شده بودند در اثر این حمله که بتاريخ ۱۸ جنوری (۱۸ ذی قعدة) صورت گرفت به قلعه داخل شدند اکبر خان محاصره را بسور شان تشدید نموده و برای آنکه کار به طول نه انجامد (زیرا خوف رسیدن قوه از بشاور و پراکنده گی کار کابل و قلات جباخانه در میان بود) انگلیس ها راه قسم تحریک میکرد تا به جنگ میدانی حاضر شوند چنانکه یکروز بیرق انگلیس را که از اردوی الغنستن گرفته بودند برای تشجیع شان بیرون آورد و به آنها نشان داد اما اینهم تاثیر نه بخشید و اگر چه یکبار از قلعه خارج و بمیدان بر آمدند مگر بزودی مغلوبانه بشهر داخل شدند (۲) و محاصره دوام کرد و سلطان احمد هم بدست خود زخم برداشت در ضمن این واقعات که عساکر انگلیس کابل را ترک گفتند و اکبر خان و سلطان احمد خان و محمد شاه خان با عساکر خیل بقصد بدرقه آنها و اینکه بماداد جلال آباد توقف کنند بمسوره سران ملی با آنها همراهی کردند در کابل یک عده از سران ملی نواب محمد زمان خان را به شاهی قبول کردند و بار ثانی به او بیعت نمودند. (۳)

باقی در آینده س. قاسم ریشیا

(۱) موهن لال: کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۳۰ و ما بعد The causes of the first

Afghan War اثر دیورند صفحه ۲۷۲ -

(۲) سراج التواریخ جلد اول صفحه ۱۸۷ .

(۳) کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۵۳۲ - و کتاب قبل الذکر سبل صفحه ۶۶

و سراج التواریخ جلد اول صفحه ۱۷۹